

# مبارزه برای دموکراسی

## عمده ترین رسالت کنونی ماست

جریده «پرچم»، شماره (شانزدهم) دوشنبه ۳ سرطان - ۱۳۴۷ هـ - ۲۴ جون ۱۹۶۸ ع



بازنویسی و تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضل

در هر کشور مطابق به شرایط مشخص آن رسالت مبارزه در راه دموکراسی صورت های گوناگونی بخود می گیرد ولی این مبارزه در تمام موارد و با وصف تنوع اشکال آن، با مبارزه در راه صلح، استقلال ملی، ساختمان جامعه نوین و مترقی پیوند ناگسستنی دارد. به همین جهت است که نیروهای ترقیخواه وطن پرست «مبارزه در راه دموکراسی را جز لاینفک مبارزه در راه سوسیالیسم» تلقی می کنند و در راه بسط و توسعه و پیوند میان آن ها در جریان نهضت رهایی بخش، دلیرانه مبارزه می نمایند.

از همینجاست که در شرایط کنونی مسأله استقرار و بسط دموکراسی در زمره اساسی ترین و عمده ترین وظیفه مبارزه و در مرکز ثقل مسایل تکامل کشور ما قرار می گیرد.

چنانکه ما بارها اعلام داشته ایم عملاً نظام سیاسی، اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی افغانستان خصلت ضد دموکراتیک را محتویست که با آزادی و دموکراسی و ترقی اجتماعی و رفاه عمومی مردم مابینت دارد. قضاوت جریان ما در باره خصلت فوق، بر اساس تحلیل علمی شرایط اجتماعی- اقتصادی کشور ما بنا یافته و علی رغم بعضی تغییراتی که طی دهه اخیر در سیاست داخلی و خارجی افغانستان رخ داده است، با وجود پهلوهایی مثبت آن، اساس حکم و قضاوت ما پا برجا و تزلزل ناپذیر است.

ماهیت روش ضد دموکراتیک هیأت حاکمه افغانستان و توطئه نیروهای امپریالیستی علیه آزادی های دموکراتیک و بر خلاف آزادی های مطرح در قانون اساسی و ایجاد موانع روز افزون در راه استقرار و بسط دموکراسی و مغالطه کردن دموکراسی با روش اداره استبدادی و شیوه فرتوت قرون وسطایی و تحریک نیروهای ارتجاعی و دادن امتیازات گوناگون برای آن ها، نشانه آنست که نیروهای ارتجاعی و استعماری هدفی جز بدنام ساختن دموکراسی و استحکام و استقرار استبداد در کشور ندارند.

به همین جهت به نظر ما سمت اساسی مبارزه در وضع کنونی باید متوجه تأمین آزادی های دموکراتیک و استقرار و بسط دموکراسی باشد و در جهت طرد ارتجاع، استبداد و استعمار در افغانستان قرار گیرد.

باید خاطر نشان کرد که شعار مبارزه در راه تأمین دموکراسی و حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم از یکسو شعار اصولیست و از سوی دیگر «بر مبنای اصول قانون اساسی نیز نمی تواند قابل تعقیب و مجازات باشد» و اگر از طرف دولت تعقیب و مورد مجازات قرار گیرد باید متوجه بود که به عکس العمل شدید مردم و افکار عمومی جهان مواجه می گردد.

تجربه زندگی معرف این امر است که مبارزه دموکراتیک علیه استبداد و ارتجاع نه تنها جنبش رهایی بخش ملی ضد فیودالیزم و ضد امپریالیزم ما را به تعویق نمی اندازد، بلکه آن را به هدف نزدیک تر می سازد.

هرچه جنبش دموکراتیک و مبارزه در راه دموکراسی پیگیرتر و عمیق تر صورت گیرد به همان پیمانانه سطح شعور سیاسی توده ها به درجات عالی تری رشد و توسعه می یابد و برای آن ها محسوس و قابل درک می گردد که دموکراسی صوری سیاسی را باید به دموکراسی واقعی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

ارتقاء دهند و بالأخره برای آن ها روشن تر می شود که فقط سوسیالیزم می تواند راه آزادی واقعی و بهبود زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برایشان بگشاید.

باز هم باید خاطر نشان ساخت که برای نیروهای ترقی خواه مفاهیم «دموکراسی، آزادی» معنی واقعی دارد و تصورات موهوم و توجیهات نادرستی را که دشمنان از این مفاهیم می نمایند، تردید و محتوی طبقاتی آن ها را بر حسب شرایط تاریخی افشا می کنند. نیروهای ترقی خواه همیشه می پرسند: «دموکراسی و آزادی برای کی؟» به این سؤال پاسخ علمی می دهند: «دموکراسی برای اکثریت، برای تمام خلق، آزادی برای انسان!» برای رفتن بسمت این مفاهیم واقعی است که باید از دموکراسی و آزادی بمثابه عمده ترین وظیفه کنونی مجدانه دفاع بعمل آید.

میرهن است که خلق های وطن ما از حد اقل حقوق و آزادی های سیاسی و اجتماعی محروم اند. محافل حاکمه ارتجاعی کشور و طبقات حاکمه ستمگر در شهر و ده آن چنان شرایط اختناق آور و تحمیق کننده پی را ایجاد می کنند که دیگر روز بروز برای مردم غیرقابل تحمل می گردد. هرگاه سری به اطراف و اکناف کشور زده شود بخوبی نمایان می گردد که هیأت حاکمه در عمل وسیله پی در دست متنفذین و مستبدین و مرتجعین شهرها و دهات اند که این خود موجب ایجاد عدم استقرار و بی نظمی در کشور می گردد و محافل حاکمه علی رغم این حقایق و عدم توجه به منشأ و علت اصلی این وضع همیشه سعی کرده اند تا مسئولیت را بعهده نیروهای نو ظهور مبارز وطن پرست و ترقی خواه اصولی بیاندازند و آزادی و دموکراسی را از مفهوم واقعی آن تهی کنند و عرصه را برای ارتجاع سیاه باز گذارند. به همین جهت با اعتماد و اعتقاد راسخ و با درک و تشخیص حقانیت راه خویش، وظیفه حکم می نماید که از دشواری ها نباید هراسید و پیگیرانه مبارزه مقدس و شجاعانه خود را در راه دموکراسی و برای انجام تغییر سریع بنیادی و کیفی در کشور ادامه داد. ولی باید خاطر نشان ساخت آنچه که می تواند نهضت کنونی را به هدف رساند، لزوم مبارزه دستجمعی برای بسط و توسعه دموکراسی است. درین جای شک نیست که نیروهای ملی پیوسته چه در تظاهرات، اجتماعات، اعتصابات و چه در جراید و از تریبون پارلمان از حقوق و آزادی های مردم، از دموکراسی و از ارزش های دموکراتیک قانون اساسی دفاع کرده اند. ولی بکمال تأسف باید اعلام داشت که این «دفاع» اعتراض علیه اعمال خودسرانه هیأت حاکمه کشور از آنجمله حکومت ها بدون شعار مبرم مشخص و بدون اتحاد و همبستگی نیروهای تحول طلب و وطن پرست و آزادیخواه و بدون پیگیری صورت گرفته است.

در چنین وضع و شرایط همیشه تحلیل و ارزیابی نادرست از اوضاع کشور و برخوردهای متفاوت بوجود آمده است. به این معنی که بعضی ازین نیروها بیش از اینکه به مسأله مبرم روز اهمیت دهند، بیشتر به اهداف و شعارهای دور خویش پرداخته اند و در حلقه بلند پروازی شخصی، محفلی و سازمانی و به بهانه اختلافات ایدئولوژیکی در انجماد فکری و تنگ نظرانه خود گیر آمده‌اند و بعضی دیگر چنین استدلال می نمایند که باید اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را طبق «اراده» خویش با یک ضربه سرنگون ساخت. این گروه های اجتماعی مبارزه برای حقوق و آزادی های دموکراتیک افراد را عمل بی فایده و بی نتیجه می دانند و در نتیجه بیشتر لبه تیز مبارزه را در داخل نیروهای دموکراتیک، ملی و ترقی خواه بکار می برند. همچنین هستند کسان دیگری که اصلاً بنا بر روحیه بد بینی و عدم اعتماد، اعتقاد به مبارزه ندارند و مترصد «معجزات سیاسی» استند و بنا بر بی رحمی و خشونت ارتجاع دستخوش یاس و ناامیدی می گردند.

به عقیده ما تمام این برخوردها با مصالح خلق افغانستان و رشد نهضت دموکراتیک و ملی کشور درین مرحله تاریخی مبیانت دارد، و در واقعیت امر ناشی از عدم اعتقاد به مبارزه ملی، دموکراتیک، مترقی و خلقی است. درک سلیم و شرایط جامعه ما حکم می نماید:

درحالی که ارتجاع با تمام قدرت و توانایی خود در جامعه مسلط است، مبارزه برای دفاع از حقوق و آزادی های وسیع دموکراتیک و از آنجمله در راه آزادی های مطرح در قانون اساسی با مبارزه برای اصلاحات اساسی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و تغییر سریع کیفی و بنیادی نه تنها مبیانت ندارد، بلکه دارای پیوند منطقی و ناگسستگی است.

تجربه ثابت کرده که در جریان مبارزه برای دموکراسی، برای حقوق و آزادی های دموکراتیک وسیع افراد (آزادی بیان، مطبوعات، تظاهرات، اجتماعات، تشکیل احزاب سیاسی و سازمان های اجتماعی . . . و غیره) است که می توان توده های مردم را بعرضه مبارزه دلیرانه جلب کرد، اتحاد آن ها و همبستگی تمام نیروهای آزادیخواه و وطن پرست کشور را استحکام بخشید و در نتیجه نیروهای ارتجاعی و استبدادی را به هنگام و پیهم زیر ضربه گرفت و قدم بقدم به عقب نشینی واداشت، تضعیف کرد و بالأخره زمینه استواری را برای یک اقدام همه جانبه، برای استقرار حکومت دموکراتیک و ملی تهیه دید و جنبش دموکراتیک و ملی را به پیروزی نهایی رساند. به این ترتیب مبارزه روزمره و وظایف مبرم و پالیسی جاری را از نظر و عمل انداختن و به انتظار حوادث و جریان خود بخودی نشستن و یا صرف با دادن شعارهای نهایی و مغالزه با الفاظ دل خوش کردن و به دیگران ناسزا گفتن و یا دستخوش کینه‌های شخصی،

خود خواهی، یاس و ناامیدی شدن و از مبارزه دست کشیدن، هم به مبارزه روزمره و جاری و هم به مبارزه عمومی، هم به هدف و شعارهای مشخص مبرم و هم به هدف و شعارهای ستراتیژیک و هدف غایی لطمه عظیمی وارد می کند.

تجربه تاریخ نشان دهنده این حقیقت است که اگر جنبش نیرومندی ایجاد گردد و اشخاص، محافل، سازمان های ملی، دموکراتیک، وطن پرست و ترقی خواه کشور متحداً عمل کنند، می توان نیروهای مرتجع و مستبد کشور را در هر موقف اجتماعی و سیاسی که باشند در هم شکست. بر پیشتازان و پیش آهنگان جنبش است که شعار عمده و اساسی «دفاع از دموکراسی و آزادی های دموکراتیک افراد» را که نیروی خلاق معنوی و بالقوه است، به نیروی مادی و بالفعل تبدیل کنند، تا بتوان طومار ارتجاع، استبداد، استعمار و ستم ملی را از جامعه در هم پیچید و زمینه را برای تحول کیفی و اساسی فراهم ساخت.

طوری که در بالا اشاره گردید، به همگان معلوم است که خلق های وطن ما تا کنون در عمل و در واقعیت امر از ابتدایی ترین حقوق و آزادی های مصرح در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر که دولت افغانستان تطبیق آن را در کشور تعهد کرده است، محروم اند و طبقات حاکمه و محافل حاکمه سیاسی کشور هر روز بدون احساس ترس و مسئولیت با کبر و غرور و بی رحمی در برابر حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم، با بی اعتنایی و بی پروایی برخورد می کنند، مردم را فریب می دهند و ارتجاع افراطی و دست راستی را علیه جنبش و نیروهای ترقی خواه وطن پرست بیشتر تحریک می نمایند.

بنا برین حقایق مشخص، اتحاد و مبارزه برای استقرار دموکراسی و حقوق و آزادی های وسیع دموکراتیک عمده ترین و ضروری ترین وظیفه کنونی و وجه مشترک تمام وطن پرستان و آزادی خواهان افغانستان است.

همچنین خاطر نشان می گردد که حتی در داخل شعارهای مبرم و ضروری هم می توان مطابق به اوضاع و احوال مشخص شعار مبرم تر و ضروری تری را برای اتحاد نیروهای تحول طلب و آزادیخواه دریافت کرد و آن را سرلوحه اتحاد عمل و مبارزه مشترک در برابر ارتجاع و استبداد قرار داد. ارزش درک این مسئله حیاتی درین است که نخست این شعار برای توده های عظیم خلق نزدیک تر و قابل درک بیشتر است و دوم اینکه خصوصیت عمومی تر دارد و مربوط به زندگی روزمره مردم کشور ماست و ازین طریق می توان خلق ها را برای مبارزه آماده ساخت و به مبارزه و جنبش کشانید. سوم اینکه هیچ گونه بهانه اختلاف را در میان نیروهای ملی، دموکراتیک و ترقی خواهان وطن پرست باقی نمی گذارد و ایفای آن

سهل تر است. پس سؤال درین جاست که این شعار مبرم تر، ضروری تر و برجسته تر برای اتحاد و برای مبارزه علیه ارتجاع و استبداد، در اوضاع و احوال مشخص کنونی چیست؟

با در نظر گرفتن تجارب گذشته، نظر ما چنین است که: این شعار برجسته و مشخص در وضع کنونی که مهمترین نقطه ضعف هیأت حاکمه افغانستان را عدم تطبیق آزادی‌های افراد مصرح در قانون اساسی تشکیل می‌دهد، عبارت از شعار مبارزه برای تطبیق آزادی‌های افراد مصرح در قانون اساسی می‌باشد که می‌تواند حلقه وصل تمام نیروهای تحول طلب و آزادیخواه کشور که ضد استبداد، ضد ارتجاع، ضد ستم ملی، ضد استعمار مبارزه می‌کنند قرار گیرد. در صورت تطبیق این آزادی‌های افراد می‌توان از یکسو زمینه مقدماتی مبارزه را برای بسط و توسعه حقوق و آزادی‌های وسیع دموکراتیک و استقرار دموکراسی تهیه دید و از سوی دیگر اعمال خودسرانه قدرت‌های حاکمه را افشاء نمود و زمینه رشد و ارتقای شعور طبقاتی و سیاسی توده‌های عظیم خلق کشور را فراهم کرد. از طریق درک صحیح و در دست گرفتن این نوع حلقه‌ها و شعارهای مشخص روز مبارزه است که به تدریج مبارزه و جنبش دموکراتیک و ملی ما بسط و توسعه می‌یابد و روز بروز نیروهای نوینی را در مبارزه بخود جذب می‌نماید، اتحاد و همبستگی نیروها و استحکام می‌یابد و امکانات جدید و مساعدی را بوجود می‌آورد. بدین ترتیب است که میتوان با مطالعه مجدد و تحلیل مشخص علمی اوضاع، احوال و شرایط داخلی و خارجی کشور این شعارها را بسط و توسعه داد، بدون اینکه یک لحظه هم، دیگر امکانات و احتمالات را از نظر انداخته و یا اهداف و شعارهای عمومی و غایی را از نظر و عمل دور داشت و آن‌ها را با عمده‌ترین وظایف شعارهای مبرم جاری و برجسته «معامله» کرد و یا آن‌ها را طرح نکرد و در راه آن‌ها مبارزه نه نمود؛ زیرا باید پیوسته متوجه بود که مقصود از مبارزه در راه شعارهای عمده و مبرم پیروز ساختن نهضت در نبردهای مشخص و معین، در جهت و هدف شعارهای ستراتیژیک است که نسبت به تغییراتی که در اوضاع سیاسی پیش می‌آید تغییر می‌کند.

مهمترین وظیفه مشی جاری عبارت است از تشخیص آن طرق و وسایل، آن اشکال و صورت‌های مبارزه که بیش از همه در یک وضع و حالت معین و مشخص سیاسی و اجتماعی مطابقت دارد و منحصراً یک حلقه وصل و کلید پیروزی‌های آتی و به مشی عمومی جنبش کمک قابل ملاحظه مینماید.

موجز اینکه: اکنون جنبش دموکراتیک و ملی ضد فیودالیزم و ضد امپریالیزم وطن ما به آن درجه مقدماتی از رشد خود رسیده است که در نظر تردید لزوم اتحاد و مبارزه نیروهای ضد استبداد، ضد ارتجاع، ضد استعمار و ضد ستم ملی وجود ندارد. ولی باید با کمال تأسف اعلام داشت که تا کنون میان نظر و عمل

اتحاد، شگاف و فاصله عمیقی وجود دارد. هنوز هم کسانی هستند که بدون احساس مسئولیت در برابر خلق و وطن و جهان بینی علمی و مصالح ملی کشور برای وحدت و اتحاد نیروهای ملی دموکراتیک و ترقی خواه و وطن پرست شرط های ذهنی و شخصی و «استثنایی» را پیش می کشند و حتی لبه تیز مبارزه را علیه مبارزین ترقی خواه بکار می برند. به همه معلوم است هم اکنون قدرت های ارتجاعی کشور ازین تفرقه نیروهای تحول طلب ملی و ترقی خواه وطن استفاده می کنند و حلقه استبداد را روز بروز فشرده تر می سازند. ما بصراحت و صداقت اعلان می داریم که هیچ بهانه و هیچ عاملی نمی تواند سد راه آن شود که حد اقل مبارزه متحد (حتی اگر اکنون در مقیاس کوچک و محدودی هم باشد) برای دفاع از دموکراسی، حقوق و آزادی های وسیع و دموکراتیک و آزادی های مصرح در قانون اساسی بعمل آید. مبرهن است که «اگر» تمام اشخاص، عناصر، محافل و نیروهای آزادیخواه و وطن پرست کشور بر اساس یک پلتفرم (مرام) مشترک (با حفظ استقلال و ایدئولوژی) که مورد قبول همه نیروها قرار گیرد، متحداً بدفاع از حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم افغانستان بر خیزند، طبعاً جنبش کنونی کشور اوج می گیرد، فعالیت وسیع شروع می شود و شور و شوق مبارزه در سرتاسر کشور بسط و توسعه می یابد و سرانجام نتایج بزرگی نصیب جنبش دموکراتیک و ملی وطن واحد ما افغانستان می گردد، دموکراسی استقرار می یابد و طومار ارتجاع، استبداد، ستم ملی و استعمار در هم می پیچد.

**پیروز باد آزادی و دموکراسی!**

**سرنگون باد استبداد، ارتجاع، ستم ملی و استعمار!**

**«آمو» - (ببرک کارمل)**

بازنویسی و تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

۳ دسامبر ۲۰۱۶

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)